



متن کامل وصیت نامه علامه مجلسی(ره)

بی تردید یکی از علمایی که همواره دغدغه ایمان، دینداری و اصلاح باورهای اعتقادی توده ی مردم را داشته و در این زمینه تلاش های گسترده ای را از خود نشان داده است، علامه محمد باقر مجلسی، سرآمد الاهیون (دین پژوهان) اواخر دوره ی صفویه بوده است.

به بهانه روز بزرگداشت علامه مجلسی(ره)

متن کامل وصیت نامه علامه مجلسی(ره)

بی تردید یکی از علمایی که همواره دغدغه ایمان، دینداری و اصلاح باورهای اعتقادی توده ی مردم را داشته و در این زمینه تلاش های گسترده ای را از خود نشان داده است، علامه محمد باقر مجلسی، سرآمد الاهیون (دین پژوهان) اواخر دوره ی صفویه بوده است.

محمدباقر از پدری معروف به مجلسی اول و مادری که دختر سید صدرالدین محمد حسین عاشوری قمی بود، در روزهای آخر سال 1037 ه.ق، دیده به جهان گشود. علامه محمدباقر مجلسی در خانواده عالم و روحانی دیده به جهان گشود و پس از گذشت چند سالی، تحصیلات خود را بسیار زودتر از سایر همسالانش- شاید در حدود سنین سه الی چهار سالگی- نزد پدر خود آغاز نمود به نحوی که علامه در شرح فقیه می فرماید: الحمدالله رب العالمین که بنده در چهار سالگی همه این ها را می دانستم، یعنی خدا و نماز و بهشت و دوزخ و نماز شب را، و نماز شب بجای می آوردم.

محمدباقر مجلسی که از هوش و استعداد فراگیری علم، در سطح بالایی قرار داشت، به کسب علم شیفتگی خاص از خود نشان می داد و این استعداد موجب شده بود که وی در دوران کودکی و نوجوانی از شخصی فاضل به نام شیخ عبدالله بن جابر عاملی، اجازه روایت حدیث دریافت نماید.

وی در گذر زمان و رسیدن به ایام جوانی در اغلب رشته های علوم دست توانائی پیدا نمود به نحوی که خود می گوید: من در ابتدای جوانی به فراگیری همه گونه های دانش عشق می ورزیدم و شیفته به دست آوردن میوه های درخت علم بودم و به فضل خدا به بوستان های علم راه می یافتم و به برداشت های درست و نادرست آگاهی پیدا کردم.

علامه مجلسی پس از پشت سر گذاشتن علوم مختلفه در نزد اساتیدی چون: قاضی ابواشرف اصفهانی، شیخ حسن بن شهید ثانی، میرزا رفیعا نائینی، امیر سید محمد مومن بن دوست محمد حسینی استرآبادی و...، به تألیف کتاب هائی بسیار سودمند از جمله: بحارالانوار که شاهکار جاویدان وی می باشد، آداب الحج، آداب الصلاة، جلاءالعیون، حاشیه بر اصول کافی، حق الیقین، عین الحیاة، فقه المجلسی، مرآت العقول فی شرح اخبار آل الرسول (ع)، مشکات الانوار و... دست زد و در این بین با چنین تألیفاتی در میان هم عصران خود ممتاز گردید.

سرانجام علامه محمدباقر مجلسی پس از سال ها تلاش در سن 73- 74 سالگی در شب یکشنبه (یا دوشنبه) 27 رمضان المبارک سال 1110 ه.ق در اصفهان دیده از جهان فروبست و بنا به وصیت خود او، وی را در بقعه پدر بزرگوارش در جلوی قبر مشارالیه به خاک سپردند و چندی بعد جمعی دیگر را نیز در جلو و عقب دفن نموده و قبور همگی را بالا آوردند که به صورت سکویی بزرگ درآمد، ولی

بالای سر هر یک علامتین (محمدتقی و محمدباقر مجلسی) سنگی راست قرار دادند و اشعاری بر آن منقوش نمودند تا از دیگر قبور متمایز گردند.

* وصیت نامه ای منحصر به فرد!

علامه محمدباقر مجلسی که در سرتاسر دوران زندگی خود تألیفاتی سودمند و گرانبها بر جای نهاده است که معروفترین آن ها بحارالانوار می باشد، با به یادگار نهادن وصیت نامه ی خود، نمونه دیگری از خلوص نیت و پاکی ضمیر خود را آشکار نمود، به نحوی که وی وصیت نامه خود را چنین می نویسد:

بار خدایا! ای آفریننده آسمان ها و زمین! ای دانای نهان و آشکارا! ای بخشایشگر مهربان! بار خدایا! در دار دنیا با تو عهد می بندم. بار خدایا! گواهی می دهم که البته معبود بحق جز تو نیست، تو یکتائی و برای تو شریکی نیست. و البته محمد (خدا بر او و آتش درود پیایی بفرستد) بنده تو و رسول تو است، و البته بهشت راست است. و البته دوزخ راست است. و البته برانگیخته شدن مردگان راست است. و حساب راست است. و قدر راست است. و قبر راست است. و ترازوی اعمال راست است. و البته دین همانگونه است که وصف فرموده ای. و البته اسلام همانگونه است که مقرر فرموده ئی. و البته گفتنی همان است که گفته ای. و البته تو خدای ثابت و آشکاری. خدا از جانب ما مسلمانان به محمد (خدا بر او و آتش درود پیایی بفرستد) بهترین پاداش را عنایت فرماید! و محمد و آل محمد را به اسلام تحیت بفرستد!

* دست حاجت بدرگاه خدا

بار خدایا! ای دلخوشی من! هنگام گرفتاری من. و ای یار من! هنگام سختی من. و ای والی نعمت من! ای معبودم و ای معبود پدرانم! هیچگاه مرا یک چشم بهم زدن، بخودم وامگذار، زیرا اگر باندازه یک چشمک بهم زدن مرا بخودم واگذاری به شر نزدیک می گردم و از خیر دور می شوم. پس در قبر وحشت مرا به آرامش مبدل ساز! و برای روزی که ترا دیدار می کنم- در حالیکه نامه اعمالم گسترده است- نزد خود عهدی قرار بده که در امان تو باشم.

* ستایش خدا و درود بر پیامبر و آتش (ع)

ستایش خاص خدائی است که او باقی می ماند و بس. و ملک او جاوید می ماند و بس. او کسی است که به عزت قدرت و بقا اختصاص دارد و بندگان را به مرگ و فنا مقهور ساخته است و دادن نعمت های ظاهره و باطنه را بر عهده گرفته، و درود پیایی بر سید مرسلین و فخر جهان ها و شفیع گناهکاران محمد بن عبدالله خاتم پیامبران و بر خاندانش که پاکان و شفعاء روز جزاءاند، بالخصوص وصی پیامبر و حبیب او و خلیفه اش بر امتش امیرالمؤمنین و اشرف الوصیین.

* پیش درآمد وصیت نامه

اما بعد. بالنسبة الى وصية نامه ئى است كه گنهكار خطاء پيشه لغزش كار كوتاهى كننده نارسا محمدباقر پسر مولى محمدتقى (نامه اعمالشان بدست راستشان داده شود و آنان با حساب آسان محاسبه شوند) بسوى فرزندان و خویشان و عشایرش و رفقای و همشهرى هایش و دوستان و ساير مردم با ايمان، وصيت كرده است.

به آنان وصيت مى كنم كه البته شهادت مى دهم باينكه غير از آن غيب مطلق معبود بحقى نيست. او يكتا است و براى او شريكى نيست. البته محمد سيد انبياء و نخبه اصفياء و بنده خدا و فرستاده خدا و پيامبر خدا و دوست خدا و فدائى خدا است، و البته اميرالمؤمنين على بن ابى طالب و امامان يازده گانه از نسل او همان ها كه آخرين ايشان قائم آن ها است معصومند، مطهرند، از جانب خدا و از جانب رسول خدا (صلوات الله عليه و عليهم اجمعين) امامت و خلافتشان منصوص است، و آنان حجت هاى خدايند بر خلق، و بعد از سيدالمرسلين اشرف خلایق اند. و البته مرگ راست است. و سؤال قبر راست است و برانگيخته شدن مردگان راست است و آمدن به محشر راست است. و رجعتى كه فقط طايفه شيعه اماميه بآن قائلند راست است. و البته صراط و ترازوى اعمال و حساب و بهشت و دوزخ راست است. و (البته جميع آنچه را كه پيامبر (صلی الله عليه و آله) آورده است همانگونه كه خود بيان فرموده و اوصياء آن حضرت (عليهم السلام) واضح ساخته اند راست است. و البته خدا همان غيب مطلق ثابت و آشكار است. بر آن اقرار بر زندگى مى كنم و بر آن مى ميرم و بر آن زنده مى شوم (انشالله)

* سفارش به حق

سپس مسلمانان و خود خطاءكارم را سفارش مى كنم به تقواى خدا متابعت فرمان هاى خدا و دورى از خشمگاه هاى خدا و توكل بر خدا در جميع امور دنيا و دين و تمسك بر پيمان محكم خدا يعنى پيروي آثار ائمه طاهرين (صلوات الله عليهم اجمعين) و بكوشش تمام در نشر آثار امامان و ترويج اخبار آنان- چه آنكه در اين زمان وسيله ئى نمى دانم كه بتوان بدرجات عاليه و سعادات باقيه دست يافت كه محكمتر از آن آثار و اخبار باشد.

و على التحقيق آنچه از راه هاى نجات به بركات ائمه هداً بر من آشكار شد در تصانيف عربى و فارسى خودم به اندازه ئى كه براى طالب حق و يقين كفايت كند، بيان كردم- بالخصوص در دو رساله عقايد و (كتاب) حق اليقين خودم (ولاحول و لا قوة الا بالله العلى العظيم).

* وصيت درباره فرزندان خود

سپس البته من فرزندانم را سفارش مى كنم به موافقت با هم و رحم و عطف با يكديگر، و اينكه كوچكترشان احترام بزرگترشان را رعايت كند، و بزرگترشان بر كوچكترشان مهربانى كند، و در هيچ چيزى از كارهاشان اختلاف نكنند كه بالنسبة دشمنانسان بر آنان چيره مى شوند.

* تعيين وصى و ناظر

و قراردادام ولايت فرزندان خردسالانم را و اداء ديونم را و عمل به وصايايم را با نور چشم و پاره جگرم محمدرضا به نظارت دو فاضل

عالم عامل زیرک و پرهیزکار دوست و پسر برادرم مولانا محمد نصیر و سید نیرومند علامه امیر محمد صالح- با حضور هر دو و اگر هر دو حاضر نباشند هر کدام که حاضر بودند. پس باید وصی و دو ناظر توافق کنند و باید تراضی نمایند و اهتمام کنند محض خدای تعالی و برای رعایت بعض حق ها که بر آنان دارم، اگر معترفند که البته برای من حقی بر ذمه آنان است.

* موارد وصیت

1- پس وصیت اول من به آنان رعایت اولاد صغیر من و تعلیم آنان و تربیت ایشان است با لطف و رفق و تنگ نگرستن امر زندگانی بر آنان است.

2- سپس پرداخت قرض های من است که نزد آنان مظنون است و اگرچه برحسب موازین شرعی اثبات نشده باشد و باید در ابراء ذمه من از حق های خدای تعالی و حق های مردم کوشش خود را بکار برند.

3- و دوست می دارم که اگر در شهر اصفهان مردم مرا در جوار پدرم (خدا روح او را پاکیزه کند) دفن کنند اگر مکانی مناسب میسر شود و اگرچه به برداشتن صفه ئی باشد که بخارج مفتوح است تا حدی که احداث قبر و لحدی در آن ممکن شود، بطریقی که بآنچه زیر آن است ضرری نرساند. یا در میان گنبد مقابل قبر پدرم در محلی که آقا جلال معرف برادر دینی من (وفقه الله) می داند. و اگر ممکن شود خرید مکانی نزدیک به مدفن پدرم (روانش پاکیزه باد) مانند خانه حکیم که سید حسین علی پسر خواهرم آنرا گرفته است- زیرا امکان دارد از بالای شارع یا زیر آن راهی به یکدیگر احداث کنند- در این صورت باید بخرند و وقف نمایند برای مدفن من و مدفن فرزندانم و خویشانم.

* تعیین تکلیف کتاب هائی که

خود موصی تصنیف کرده

4- سپس البته تصانیف خودم را هر آنچه بخط خودم است خواه کل آن بخط من باشد یا بعض آن یعنی نسخه های اصل را بر کافه مؤمنین وقف نمودم: خواه آن تصانیف عربی باشد یا فارسی، و همچنین

نسخه هائی که از روی آن برای مردم نسخه برداشته ام و تولیت آن ها را به اصلح اولاد ذکورم تفویض کردم سپس به اصلح اولاد، اولاد ذکورم و با تساوی در صلاح پس تولیت با اعلم است با تقدم طبقه اعلی بر اسفل- اما مرادم از صالح صالحی است که آن نسخه ها را ضبط کند و به مستحق آن ها برساند، و بافقد صالح بین اولاد ذکور و اولاد اولاد آن ها (والعیاذ بالله) پس تولیت مفوض است به اصلح اولاد برادرانم سپس به اصلح اولاد دخترانم سپس به اصلح اولاد خواهرانم، و با نبودن آنان (والعیاذ بالله) پس امر تولیت مفوض است به عالم محدث موافق با مسلک من از شاگردانم: خواه با واسطه شاگردم باشد یا بیواسطه و با تعدد و اشتباه در اصلح یا نزاع در جمیع مراتب مزبوره پس تولیت مفوض است بکسی که قرعه شرعیه او را معین می سازد، و با زنده بودن فرزند عزیز صلاح ملامحمدرضا برای متولی سزاوار است که کتاب ها را از دست او نگیرد زیرا البته او بمواقع کتاب ها آشناست.

نویسنده: مصطفی لعل شاطری

منبع: قدس آنلاین